

## شب و روز

زهجرات پریشانم شب و روز  
زغم های تو گریانم شب و روز  
دعا دارم به درگاه خداوند  
رسا ند نزد جانانم شب و روز

داکتر اسدالله حیدری

۲۶، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

## دل افروز

بیادت زار نالم، ای دل افروز  
فراقت جان من، بنموده درسوز  
خدا را ای وطن! بگیرم تو در بر  
جهان بی تو بود، زندانم هرروز

داکتر اسدالله حیدری

۲۶، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### نظر لطف

خداوندا! ز لطفت یک نظر کن  
شب تاریک افغان را سحر کن  
دهه شد سه که مُلکم گشته ویران  
جهان برخا نناش را سقر کن

داکتر اسدالله حیدری

۲۶، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### آوارگان میهن

شده عمری زمیهن گشته ام دور  
ز لطفت یک نظر ای خالق نور  
رها کن کشورم از دست کفار  
رسان آوارگانش شاد و مسرور

داکتر اسدالله حیدری  
۲۶، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### جُز مهاجر

غم هجرت، نداند جز مهاجر  
نباشد خوار دوران، جز مهاجر  
که خورده آنهمه زخم زبان ها؟  
به هر صبح و به هر شام، جز مهاجر

داکتر اسدالله حیدری  
۲۷، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### دریای خون

دلم دریای خون گشته عزیزم  
زدوریت شده، مجنون عزیزم  
خدا را یک شبی گرپیشم آئی  
کنی شاداین دل محزون، عزیزم

داکتر اسدالله حیدری  
۲۷، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### غم های دل

ز غم های دل کس با خبر نیست  
ز هجر میهنم عالم به سر نیست  
رسانم ای خدا! روزی به میهن  
که آنجا از جدائیها اثر نیست

داکتر اسدالله حیدری  
۲۷، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### وقت جان دادن

الهی وقت جان دادن بر ایم  
ز عفو و مهربانی ده سزایم  
به عزرائیل ز لطف کن اشاره

به آسانی برد از این سرایم

داکتر اسدالله حیدری

۲۷، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### بیداد فلک

زبیداد فلک فریاد دارم  
ز چرخ نیلگون صد داد دارم  
نموده میهنم ویران از آن رو  
به ملک غیرچسان دل شاد دارم

داکتر اسدالله حیدری

۲۸، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### جام شراب

دو چشمانت بُود جام شرابم  
دو ابروی کمانت برده تابم

به خال کنج رخسارت بمیرم  
لبان قرمزت کرده کبا بم

داکتر اسدالله حیدری

۲۸، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### روی ماه

ز روی ماه تو چون بسمل هستم  
سرراحت نشسته سائل هستم  
اگر لطفی نموده پیشم آئی  
به پابوس توجا نا! مائل هستم

داکتر اسدالله حیدری

۲۸، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### دل بشکسته

زهجران وطن دل دربرم نیست

در این غربت سرا، بال و پر م نیست  
خداوندا! رسان روزی به میهن  
دلم بشکسته کینجا مادرم نیست

داکتر اسدالله حیدری

۲۹، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### گلشن

به گلشن گرروم یادت نمایم  
به کوه دشت فریادت نمایم  
بسوی آسمان پُرسِتاره  
به شب هادیده ودادت نمایم

داکتر اسدالله حیدری

۲۹، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### شیر مردان

ای خدا! آخر کجا شد شیرمردان وطن  
سرخ از خون شهیدان دشت و دامان وطن  
تا به کی باران آتش بر سر بیچارگان  
باردو خاموش باشند، شاه شجاعان وطن

داکتر اسدالله حیدری

۲۹، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### محرم راز

خوشا آندم به کابل جان روم باز  
ببینم ما منم آن محرم راز  
اگرچه کابلم ویرانه گشته  
به چشم آید مرا چون سرو تناز

داکتر اسدالله حیدری

۲۹، ۰۶، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### وطن



وطن بی تو به زندانم همیشه  
زدوریت در افغانم همیشه  
به آزادی خود از دست کفار  
نما مسرور و شادانم همیشه

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸، ۰۶، ۳۰، سد نی

### به سد نی

به سد نی زار و بیمارم خدایا!  
ز هجر یار، دل افگارم خدایا!  
به حق عرش و فرشت یا الهی  
رسانم نزد دلدارم خدایا!

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸، ۰۶، ۳۰، سد نی

## احتضار

زدوریت وطن در احتضارم  
به ملک غیر فتاده بی قرارم  
اگر تقدیر باشد میرم اینجا  
نما قسمت به دامانت مزارم

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸، ۰۶، ۳۰، سد نی

## دنیای دوری

در این دنیای دوری، خوارواریم  
مهاجر گشته ایم، دل بیقراریم  
خدایا! تا کجا از یاد میهن  
بسوزیم و بسازیم، ناله داریم

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸، ۰۶، ۳۰، سد نی

## گلستان

وطن هستی گُلستان و بهشتم  
خدا بنموده با حُبّت سرشتم  
بگیریم خون زدیده از فراق  
چو در هجرتوزار است سرنوشتم

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸، ۰۶، ۳۰، سدنی

## فراق تو

بیا جانای من گیر  
فراق تو مرا بنموده دلگیر  
فراموشم اگر داری، نیائی  
شوم مجنون و بندندم به زنجیر

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸،۰۷،۰۲، سد نی

### سرو تناز

ز عشقت خواروزارم سروتناز  
به وصلت انتظارم سروتناز  
اگر درد ید نم غفلت نمائی  
نبینی جزمزارم سروتناز

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸،۰۷،۰۳، سد نی

### زدست ناکسان

وطن ترکت نمودم با دل زار  
زهجرانت بگشتم خواروبیمار  
زدست ناکسان خلق و پرچم  
مهاجرگشته ام در ملک اغیار

داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۷، ۰۴، سد نی

### دریای خون

دلم دریای خون است از برایت  
ز عشقت زار و مجنون این گدایت  
بلند، دستم به درگاه الهی  
به وصلت شادمن سازد خدایت

داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۷، ۰۴، سد نی

### خون شهیدان

فلک بردی زدست ما وطن را  
زدی آتش گلستان و چمن را  
نمودی سرخ از خون شهیدان  
سراسر میهن گل پیرهن را

داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۷، ۰۵، سد نی

### فراق مُلک

فلک خوار و ذلیلم کردی آخر  
فراق مُلک تقدیرم کردی آخر  
زهجران وطن تاکی بسوزم  
به آسترلیا اسیرم کردی آخر

داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۷، ۰۶، سد نی

### جُز غم

در هجرت من هیچ ندیدم، جُز غم  
یک تا نییه راحتی ندیدم، جُز غم  
از یاد جوانی و کنارت مادر

غم بر سر غم فزون، ندیدم جز غم

داکتر اسدالله حیدری

۱۰، ۰۷، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### لعل آتشین

تا لبت بوسیدم، لبانم در گرفت  
ز آتشین لعلت دلم آذر گرفت  
خواستم از خالق کون و مکان  
تاترا دائم چو جان، دربر گرفت

داکتر اسدالله حیدری

۱۳، ۰۷، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### بُز کُشی

از سه دهه مُلک ماگشته، جهان بز کُشی  
قتل و غارت زاید از حد، در مکان بز کُشی

سرخ از خون شهیدان کوه و صحرای وطن  
است شیطان بزرگ، از عاملان بزکشی

داکتر اسدالله حیدری

۱۵، ۰۷، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### زار و مضطر

زهجرانت وطن چشمان من تر  
زدوری تو نبود، دل در بر  
ندانم تا به کی در ملک غربت؟  
پریشان حال باشم زار و مضطر

داکتر اسدالله حیدری

۱۹، ۰۷، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### بنده عاصی

خداوندا! زاین عاصی بنده



ندی زره طاعت پسند  
ببخشای از کرم این ناتوان را  
به دربارت ز خجالت سرفگنده

داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۷، ۱۹، سد نی

### سودای وطن

سرم سودای مُلک خویش کرده  
جدائی ها دلم راریش کرده  
ندانم تا به کی باشد جدائی  
چه تقدیرم برایم پیش کرده؟

داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۷، ۱۹، سد نی

### تقدیر ناجور

ز هجرانت وطن چون نی بنالم  
به ملک غیر بگو، تا کی بنالم؟  
ز طالع بدو تقدیر ناجور  
گمانم ہی بنالم، ہی بنالم

داکتر اسدالله حیدری

۲۱، ۰۷، ۲۰۰۸، سد نی

### زمین گیر

عزیزم آ، دمی آحوال من گیر  
که از غمها شدم آخر زمین گیر  
ز هجران تونالم، زارنالم  
بیا جانا! ز لطف دست من گیر

داکتر اسدالله حیدری

۲۲، ۰۷، ۲۰۰۸، سد نی

### نظر لطف

ندارم یک شبی آرام و راحت  
زهجرانت برفته صبر و طاقت  
عزیزم تا به کی دوری نمائی؟  
خدا را! یک نظر از لطف و شفقت

داکتر اسدالله حیدری

۲۲، ۰۷، ۲۰۰۸، سد نی

### آزار زمانه

زمانه بسکه آزارم نمودی  
ز عمر خویش بیزارم نمودی  
نکردی یک نظر از روی شفقت  
به ملک غیر چه قدر، خوارم نمودی

داکتر اسدالله حیدری

۲۴، ۰۷، ۲۰۰۸، سد نی

## همچو شیشه

دل من گشته نازک همچو شیشه  
زهجران وطن پُر غم همیشه  
خدایا! دشمنان میهنم را  
بکن راهی دوزخ بر همیشه

داکتر اسدالله حیدری

۲۴، ۰۷، ۲۰۰۸، سد نی

## لا مکان

خداوندا! کریمی، لا مکانی  
به هر جا حاضر و ناظر، عیانی  
همه مخلوق عالم آفریدی  
همه نابود، آناً میتوانی

داکتر اسدالله حیدری

۲۴، ۰۷، ۲۰۰۸، سد نی

## کریم ورحیم

دائم کہ کریمی ورحیمی یا رب  
این حالت زار ما تو بینی یا رب  
تا چند بُود ملت ما زیر ستم؟  
از لطف و کرم نما، کریمی یا رب

داکتر اسدالله حیدری

۲۴، ۰۷، ۲۰۰۸، سد نی

## سحرگاہان

ز هجرانت سحرگاہان بگریم  
سرم بر سجدهء یزدان بگریم  
به حال گریه وزاری بگویم  
خدایا! تا به کی این سان بگریم؟

داکتر اسدالله حیدری

۲۷، ۰۷، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

## دل دیوانه

خدا داند دلم دیوانهء توست  
همه غمها یم از افسانهء توست  
به ملک غربت ای مام عزیزم  
شب و روزم به فکر و خانهء توست

داکتر اسدالله حیدری

۲۷، ۰۷، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

## شب تاریک

خدایا! درد من درمان بنمای  
فراق میهنم آسان بنمای  
زهجرانش مسوزانم شب و روز  
شب تاریک من روشن بنمای

داکتر اسدالله حیدری  
۲۷، ۰۷، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### شاه یا گدا

اگر شاهی گدائی، یا که مُزد ور  
به آخر جا نمائی، در تهء گور  
در آن وحشتکده تنهای تنها  
شوی خوراک صدها مورچه و مور

داکتر اسدالله حیدری  
۲۷، ۰۷، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### سجدهء شکرانه

جدا از میهنم عمرم شب و روز  
تباه گشته بیاد آن دل افروز  
اگر وصلش خدا سازد میسر  
به شکرانه نمایم سجده هر روز

داکتر اسدالله حیدری  
۲۷، ۰۷، ۰۸، ۲۰۰۸، سدنی

### ترک دامان

ترک دامان نموده سوختم، سوختم  
یاد دوران نموده سوختم، سوختم  
باغ و بوستان و وطن مینوی من  
درک هجران نموده سوختم، سوختم

داکتر اسدالله حیدری  
۲۷، ۰۷، ۰۸، ۲۰۰۸، سدنی

### شب تار وطن

در این دنیا دون کس ماندنی نیست  
غم افغان زمین کس خوردنی نیست  
ز ظلم ظالمان و جور اعدا



شب تاروطن راروشنی نیست

داکتراسدالله حیدری

۲۸، ۰۷، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### زهر مرگ

زامداران ملک در عیش و نوشند  
به پُر بنمودن جیب درخروشند  
به زعم شان حیا تند بر همیشه  
رسد روزی که زهر مرگ نوشند

داکتراسدالله حیدری

۳۱، ۰۷، ۰۸، ۲۰۰۸، سد نی

### جوانی

جوانی راغنیمت دان عزیزم  
به پیری چون رسی دانی عزیزم

چه نعمت رفته از دست تو برباد  
نیای بی لحظه از آن عزیزم

داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۷، ۳۱، سد نی

### افغان زمین

خداوندا! ز لطف افغان زمین را  
ز شر ظالمان و جور اعدا  
رهایش کن الهی هر چه زودتر  
به حق فاطمه (س) ام‌ابی‌ها

داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۷، ۳۱، سد نی

### هجران وطن

به عشقت دائماً در درد سر به

زهجرائت وطن خون جگر به  
سعادت گر شود روزی نصیبم  
که دریای توجان، از تن بدر به

داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۷، ۳۱، سد نی

### زمین گیر

غم هجروطن کرده مرا پیر  
بُود روز و شبم در بند زنجیر  
اگر وصلش نگردد حاصل من  
چو مجنون گشته و گردم زمین گیر

داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۸، ۰۱، سد نی

### وصل جانان

دلم جز وصل جانان میل ندارد  
به ملک غیر ماندن میل ندارد  
اگر قسمت شود رفتن به میهن  
به برگشتن از آنجا میل ندارد

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸، ۰۸، ۰۲، سدنی

### قصر زرین

اگر جای تو در قصر زرین است  
اجل دائم ترا اندر کمین است  
رسد روزی کنی ترک این جهان را  
پس آنگاه منزلت زیر زمین است

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸، ۰۸، ۰۳، سدنی

### شب تار

خدایا! دردهجرانم بدر کن  
شب تار فراقم را سحر کن  
به وصل یار جانی یا الهی!  
رواکن حاجتم، سویم نظر کن

داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۸، ۰۳، سد نی

### عشق وطن

وطن عشقت مرا دیوانه کرده  
فراقت از خودم بیگانه کرده  
ندانم تا به کی سوزم به یادت  
کدام ظالم مرا بی خانه کرده

داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۸، ۰۳، سد نی

## دهر پرازرنج

ای آنکه مرا زجنتت رانده ئی  
دردهر پرازرنج و غم انداخته ئی  
از شرّ شیاطین جنّ وانست  
محفوظ بدار من که خود ساخته ئی

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸، ۰۸، ۰۵، سد نی

## ترک میهن

عزیزان بعد روز ترک میهن  
ندارم راحت اندر جان و درتن  
خدایا! عاملان این جدائی  
بگن برباد همه، از ریشه برکن

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸، ۰۸، ۰۵، سد نی

## غزالان مهاجر

چه خوش افغانستان آزاد گردد  
به دست دوستان آباد گردد  
غزالان مهاجر باز گردند  
نهاد ظالمان بر باد گردد

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸، ۰۸، ۰۶، سدنی

## سودای عشق

ز سر سودای عشقت رفتنی نیست  
غم هجرت زجان ترک کردنی نیست  
ندارم چارهء نزدت بیایم  
در اینجا لحظهء دل ماندنی نیست

داکتر اسدالله حیدری

۲۰۰۸، ۰۸، ۰۸، ۰۷  
سد نی

### دور از لانه

منم عنقای بال و پرشکسته  
به دور از لانه در غربت نشسته  
خداوندا! ز لطفت رس به داد م  
که در هجران دلم زار است و خسته

داکتر اسد الله حیدری



۱۳، ۰۸، ۰۸، ۲۰۰۸، سدنی

### دریای خون

دلم دریای خون، کس باخبر نیست  
بنالم زارولی، دراواثر نیست  
به یاد میهنم، مینوی دنیا  
به ترکیدن رسید دل، بال و پر نیست

داکتر اسد الله حیدری

۱۴، ۰۸، ۰۸، ۲۰۰۸، سدنی

### با مهر و وفا

عزیزم تا به کی از من جدائی  
تو که زیبا و با مهر و وفائی  
چرا کردی من مسکین فراموش؟  
گناهم چیست کز آن، سویم نیائی؟

داکتر اسد الله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۸، ۱۴، سدنی

### چرخ دون

چرا ای چرخ دون کردی خرابم؟  
به مُلک غیر بنمودی عذا بم  
فراق میهن زیبای افغان  
نموده بسلم، کرده کبا بم

داکتر اسد الله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۸، ۱۵، سدنی

### اسیر ظالمان

چو کا بل جان اسیر ظالمان شد  
هزاران خاندان بی خانمان شد  
زدست خائنان نوکر غیر  
چه سیل آسا، که خون هر سوروان شد

داکتر اسد الله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۸، ۱۵، سدنی

### مزد تقوا

به دنیا هر که آمد رفتنی است  
نه شاهی نی گداهی ماندنی است  
اگر خواهی به عقبی سرفرازی  
تو تقوا پیشه کن، مُزد دادنی است

داکتر اسد الله حیدری  
۲۰۰۸، ۰۸، ۱۵، سدنی

### سالروز ولادت

عمر تو شد شصت و سه، ای یار بی همتای من  
محرم رازم بُدی، در روز و در شب های من  
باشد این روزت مبارک، مام اطفال عزیز

از خدا خواهم شوی صد، همسر زیبای من

داکتر اسدالله حیدری

۱۴، ۱۰، ۲۰۰۸، سدنی